

وضعیت شیعیان عربستان سعودی

سیده نرجس موسوی^۱

چکیده

تأسیس دولت سعودی از همان ابتدا سرکوب و به حاشیه‌راندن شیعیان را در پی- داشت. در این میان ضعیف کردن نهادهای شیعی رنگ دولتی به خود گرفت و به سیاست رسمی رژیم تبدیل شد. در این فضا با آنکه شیعیان به دنبال هویت شیعی خود راهکارهای مختلفی از انقلابی‌گری تا گفت‌وگو و چانه‌زنی با حکومت را در پیش گرفته‌اند تاکنون به حق اجتماعی و سیاسی خود نرسیده‌اند. در نوشتار حاضر باتوجه به برخورد تبعیض‌آمیز حکومت آل سعود با اقلیت شیعه وضعیت و چالش‌های پیش‌روی شیعیان بررسی می‌شود. استدلال نگارنده این است که به دلیل پیوند ساختار قدرت با ایدئولوژی وهابیت ضعف‌های ساختاری- نهادی و اختلاف در نگاه مبارزاتی میان فعالان شیعی و تبعیض علیه شیعیان کما ادامه دارد و بیرون رفتن از وضعیت موجود ثمربخش نیست. رهبران و نخبگان شیعه باید با پذیرش واقعیت‌های موجود و در پیش گرفتن استراتژی‌های مسالمت‌آمیز مبتنی بر گفت‌وگو تعامل و ارتباط خود با دیگر گروه‌ها و شبکه‌های داخلی را نیز افزایش دهند.

واژگان کلیدی: عربستان، تشیع، جنبش اصلاحیه، حزب الله، وهابیت.

۱. مقدمه

مطالعه وضعیت شیعیان جهان در دو دهه گذشته توجه تعداد زیادی از اندیشمندان را در رشته‌های مختلف به خود جلب کرده است. باتوجه به اقلیتی بودن شیعیان و عدم هماهنگی بین حکومت‌های وقت و این گروه اقلیت رفتارهای ضدونقیضی با شیعیان صورت می‌گیرد. باوجود تلاش شیعیان برای ایجاد ارتباط با حکومت‌ها وضعیت آنها چه از نظر اجتماعی و چه از نظر سیاسی نسبت به دیگر گروه‌های جامعه از بی‌توجهی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی رنج می‌برند. عربستان یکی از

۱. دانش پژوه کارشناسی تاریخ اسلام، مجتمعه آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، از پاکستان.

مناطقى است که ضرورت مطالعه وضعیت شیعیان برای مقابله با تبعیض‌ها و استرداد حقوق آنها در آن وجود دارد. پژوهش حاضر به دنبال آن است که وضعیت سیاسى، اقتصادى و اجتماعى شیعیان عربستان را از سال ۱۹۷۵ مطالعه و بررسی کند. به‌ویژه جنبش‌های شیعی یعنی، جنبش اصلاحیه و حزب الله که در این دو دهه تأسیس شدند و راه حل مسئله با توجه به برخورد تبعیض‌آمیز حکومت آل سعود با شیعیان بررسی می‌شود.

۲. موقعیت جغرافیایی شیعیان عربستان

منطقه شرقیه عربستان که بیشتر شیعیان در آنجا زندگی می‌کنند حدود ۷۵۹۲۶۸ کیلومتر مربع وسعت دارد که در بین چهارده منطقه‌ای که عربستان را تشکیل می‌دهند از همه وسیع‌تر است و از نظر جمعیت بعد از مکه و ریاض قرار دارد. (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۳۵) این منطقه از نظر استراتژیک مهم‌ترین ناحیه عربستان است؛ زیرا بیشتر چاه‌های نفت در این منطقه هست. از نظر اقتصادى نیز بزرگ‌ترین تأسیسات پالایش نفت در عربستان است (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۳۵). مناطق غوار و قطیف بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتى جهان هستند. شیعیان استان شرقى عربستان در ثبات اقتصادى و سیاسى کشور در سطح داخلی و بین‌المللى نقش عمده‌ای دارند. بدیهی است این امر روی تجارت جهانی و امنیت بین‌المللى تأثیر می‌گذارد. ۹۵-۹۰ درصد از درآمد کشور و ۱۵ درصد از نفت جهان از این ناحیه تأمین می‌شود و کارگران شیعه بین ۴۰ تا ۶۰ درصد نیروی کار صنعت نفت را تأمین می‌کنند. بیشتر جمعیت شیعیان جهان در سه کشور هم‌جوار خلیج فارس و در همسایگی این منطقه هستند؛ زیرا ۶۵٪ از جمعیت بحرین، ۶۰٪ از جمعیت عراق و بیش از ۹۰٪ از جمعیت ایران شیعه هستند. شیعیان با داشتن مبانی عقیدتى، دینى، اخلاقى و سیاسى متفاوت با حکومت عربستان و بهره‌مندی از پتانسیل سیاسى بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه مخالف با پادشاهی عربستان هستند. مقامات رسمى عربستان همواره به‌دلایل سیاسى، امنیتى و اجتماعى-اقتصادى تعداد شیعیان استان شرقى عربستان را کمتر از میزان واقعی اعلام کرده‌اند و آخرین آمار منتشرشده در مورد جمعیت شیعیان این منطقه قابل اعتماد نیست. یکی از گروه‌های ضد شیعه عربستان آمار شیعیان این کشور از اسماعیلیان و زیدى‌ها را ۹۷۰۵۴۲ نفر اعلام کرده است که این آمار معرف ۵٪ عربستان است. در سال ۲۰۰۰ وزارت امور خارجه آمریکا جمعیت شیعیان را که بیشتر آنها در استان شرقى عربستان ساکن هستند نهصد هزار نفر اعلام کرد. شواهد نشان می‌دهد که تعداد واقعی شیعیان عربستان بیش از آمارهای

اعلام شده است و شیعیان احسا و قطیف بعد از عراق بزرگ‌ترین جمعیت شیعه منطقه خلیج فارس است. در جهان عرب نیز شیعیان عربستان پس از لبنان و عراق بزرگ‌ترین جمعیت شیعه هستند (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

۳. تاریخ حضور شیعیان در عربستان سعودی

حضور شیعیان در عربستان به قرن اول هجری یعنی، زمانی که شیعیان امام علی علیه السلام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط ابوبکر را رد کردند، بازمی‌گردد. در حال حاضر منابع مختلف جمعیت شیعیان عربستان را بین ده تا بیست درصد جمعیت کل این کشور می‌داند. بیشتر شیعیان عربستان شیعه دوازده امامی هستند که در منطقه الشرقیه یا همان استان شرقی زندگی می‌کنند. استان شرقی استانی است که شیعیان آن از نظر جمعیتی بیشتر هستند و از نظر اقتصادی بزرگ‌ترین منطقه نفتی با گسترده‌ترین تأسیسات پالایش نفت در عربستان است. (شامی قرچلو، ۱۳۸۹، ص ۲۴) در حالی که تعداد کمی از شیعیان در دمام مرکز استان شرقی ساکن هستند، بیشتر آنها در شهرها و روستاهای بین دو واحه بزرگ قطیف و احسا زندگی می‌کنند (شامی قرچلو، ۱۳۸۹، ص ۲۴). شیعیان عربستان بیشتر در استان شرقی ظهران در شهرهای قطیف و احسا ساکن هستند و اقلیت شیعه در مناطق شمالی و جنوب این کشور هستند (انصاری بوی احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶). طایفه شیعه مذهب مدینه را شیعیان نخواه می‌گویند که زمان زیادی است در تاریخ شهر مدینه الرسول شناخته شده‌اند و همواره استقلال مذهبی خود را حفظ کرده‌اند. شیعیان نخواه نه می‌توانند آشکارا عقیده خود را بگویند و نه می‌توانند به آداب و رسوم خود عمل کنند. آنها حق ندارند دستار سنتی خود را بپوشند. مستخدمان دولتی شیعه‌مذهب که مجبور به حضور در نماز جماعت هستند، نمی‌توانند علائمی از تشیع خود مانند استفاده از تربت و مهر در نماز از خود نشان دهند. آنها در مدینه شغلی به‌جز کارگری و باغداری درختان خرما ندارند (رضوانی، ۱۳۹۱، ص ۷۸). در حال حاضر شیعیان مدینه در قسمت‌های مختلف شهر ساکن هستند. آنها پیش‌تر و قبل از توسعه جدید شهر در بخش‌های جنوبی و شرقی در حاشیه مسجدالنبی نیز زندگی می‌کردند، اما اکنون بیشتر در محله غریات، خیابان علی بن ابیطالب، حوالی مسجد قبا، خیابان‌های قربان، گاز و طالع ساکن هستند (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

منطقه شرقیه عربستان که بیشتر شیعیان در آنجا زندگی می‌کنند از نظر جمعیت بعد از مکه و ریاض است. منطقه شرقیه ثروت‌های طبیعی مانند نفت و محصولات متعدد کشاورزی دارد، ولی یکی از محروم‌ترین نواحی این کشور است. (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۴۰) این منطقه همواره کانون بحران برای حکومت بوده است. دلیل این امر علاوه بر نوع برخورد رژیم حاکم و محرومیت اهالی منطقه از مشارکت در حکومت اجرای سیاست تبعیض مذهبی بوده است. بخش بیشتر کارهای اجرایی نفت را شیعیان انجام می‌دهند تاجایی که چهل درصد کارگران آرامکو شیعه هستند و سرنوشت حکومت یعنی، تولید ثروت در دست شیعیان است (انصاری بویر احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). باید افزود که غیر از شیعیان جعفری دو فرقه اسماعیلیه در منطقه بحران و زیدیه در جنوبی‌ترین نقطه عربستان در شهرهای عسیر، نجران، جدّه و ینبع نیز در این کشور زندگی می‌کنند (شامی قرچلو، ۱۳۸۹، ص ۲۵). در عربستان بعد از به حکومت رسیدن دولت آل سعود شیعیان در فشار زیادی قرار گرفتند به گونه‌ای که جرأت اظهار عقاید خود را نداشتند؛ این امر بارها در تاریخ آمده است. در زمان حال نیز تبلیغات علیه شیعیان به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. شهر مدینه از آغاز دوره عباسی زیر سیطره اعقاب حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام بود که با عنوان بنو الحسن شناخته می‌شدند. این خاندان با حفظ مناصب رسمی مانند قاضی، خطیب، امام جماعت و مسئولیت موقوفات موقعیت خود را به عنوان امرای شهر حتی پس از فتح آن توسط عثمانی‌ها حفظ کردند. بنو الحسن بر خلاف شرفای مکه به دلیل حمایت بی‌اندازه از اهل بیت علیهم السلام قدرتش را از دست داد البته تلاش شیعیان برای احقاق حقوق خود و یافتن جایگاه اجتماعی و سیاسی مناسب ادامه دارد (نقوی، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

۴. وضعیت شیعیان عربستان در دو دهه اخیر

با ظهور وهابیت در سال ۱۷۴۵ در منطقه نجد عربستان و گسترش آن در این ناحیه دوره جدیدی برای شیعیان و گروه‌های دینی دیگر شبه جزیره عربستان آغاز شد که روی تاریخ و امور سیاسی آنها تأثیر داشت. در حقیقت وهابیون از دین به عنوان ابزاری برای سلطه بر گروه‌های دینی دیگر استفاده کردند و مذهب را بهانه‌ای برای رسیدن به اهداف سلطه طلبانه خود قرار دادند، پس نباید وهابیت را شعبه دیگری از اسلام دانست؛ زیرا این فرقه برای همه فرقه‌های اسلامی شبه جزیره عربستان و جهان اسلام مشکل ساز شده است. وهابیون در ابتدا تلاش کردند به شیوه‌ای خشونت‌آمیز جامعه‌ای اسلامی سبیه امت اسلامی قرن هفتم ایجاد کنند. این آرمان جاه طلبانه

برخاسته از جهان‌بینی خشک و جمودیافته این گروه است که براساس آن باید هنجارها و معیارهای اسلام واقعی که توسط نیاکان و اجداد وهابیون مانند احمد بن حنبل، ابن تیمیه، ابن قیم الجوزی و دیگران ارائه شده است جایگزین اعمال شیطانی و آلوده جوامع معاصر اسلامی شود. این ایدئولوژی و جهان‌بینی دو وجه مربوط با یکدیگر دارد. در این جهان‌بینی همه مسلمان‌های غیر وهابی به‌جز غیر مسلمانانی که جهان‌بینی وهابیون را به رسمیت می‌شناسند، تکفیر شده‌اند. همچنین براساس این ایدئولوژی باید با حمله و هجوم به جوامع دیگر تحولی بنیادین در سطح جهان ایجاد شود و امت اسلامی تشکیل شود. (نقوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳) حکومت آل‌سعود کشورهای هم‌جوار خود را تکفیر کرد تا مشروعیت لازم برای حمله به سرزمین‌های آنها، اشغال ممالک آنها و تصاحب اموالشان را احراز کند. کشورگشایی و توسعه قلمرو حکومت که در ایدئولوژی وهابیت ریشه دارد از ویژگی‌ها و شاخصه‌های اصلی رژیم سعودی است. از نظر وهابیون در سنت اسلامی جنگ علیه مشرکین و وظیفه‌ای دینی است و مؤمنین موظف هستند به این تکلیف عمل کنند تا شریعت یا قوانین الهی تحقق یابد و جنبه عینی پیدا کند و امت اسلامی تشکیل شود. براساس این ایدئولوژی جنگ علیه همه مسلمانانی که دین آنها صحیح نیست، مجاز است (السعید، ۱۳۶۰، ص ۱۷). در نظر وهابیون مفهوم تکفیر با مفهوم جهاد و هجوم در هم آمیخته است؛ زیرا جهاد فقط در صورت تکفیر جوامع هدف توجیه‌پذیر است.

شیعیان استان شرقی عربستان اثنی عشری هستند. وهابیون باوجود اینکه از نظر جمعیتی اقلیت هستند حکومت را در دست گرفته‌اند. اختلاف اصلی شیعیان و وهابیون در حوزه کلام پیرامون مسئله توحید است. وهابیون معتقدند شیعیان پرستش خدا را با تقدیس و تکریم اولیا درهم آمیخته‌اند و مبحث جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از موضوعات مهم مورد اختلاف این دو گروه است. وهابیون مانند اهل تسنن عقاید شیعیان را مردود می‌دانند. این اختلاف دیدگاه‌ها موجب بروز شکافی عمیق بین شیعیان و حکومت سعودی ایجاد کرده است. با تشکیل حکومت فرقه‌گرا در نجد، ناآرامی‌ها در مناطق شیعه‌نشین آغاز شد. در سال ۱۷۴۴ در پی اتحاد محمد ابن سعود، حاکم نجد با شیخ محمد ابن عبدالوهاب ایدئولوژی حکومت شکل گرفت. از آن پس شیعیان استان نفت‌خیز شرقی عربستان در مقابل بی‌عدالتی‌ها و رفتار تبعیض‌آمیز حکومت قرار گرفتند.

آنها شهروندان درجه دو یا طبقه پایین جامعه هستند و از حقوق اولیه و مسلم خود محروم شده- اند. به دلیل این رفتارهای تبعیض آمیز و ناعادلانه و در پی محرومیت شیعیان از حقوق اولیه خود، آنها با یکدیگر متحد شده اند و برای احقاق حقوقشان به مخالفت با رژیم سعودی برخاستند. (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰) در دوره حکومت فیصل بن ترکی، شیخ عبدالرحمان ابن حصان آل شیخ از علمای وهابی حاکم را ترغیب کرد در مورد عقاید دینی مردم احسا و قطیف تحقیق کند. وی به حاکم توصیه کرد شیعیان را مجبور کند تعالیم اسلام وهابی را بپذیرند. عبدالعزیز آل سعود مشهور به ابن سعود در سال ۱۹۰۲ به قدرت رسید و دوره سوم حکومت سعودی آغاز شد. حاکم جدید نیز تمایل خود را برای تصرف مجدد الحسا و قطیف آشکار کرد. قبل از اینکه ابن سعود سپاه خود را به قطیف بفرستد نامه‌ای به نجبای این منطقه فرستاد و آنها را تهدید کرد چنانچه مانع پیشروی سپاهش شوند جان، مال و ناموسشان در امان نخواهد ماند و در نتیجه شیعیان قطیف بدون مقاومت تسلیم ابن سعود شدند. نجبا و علمای شیعه قطیف و احسا برای قائم مقام ترکی نامه‌ای فرستادند و از او خواستند این نامه را به ابن سعود تسلیم کند. به نقل از یکی از مجتهدین مشهور شیعه به نام شیخ علی ابوالحسن الخنیزی (۱۸۷۴-۱۹۴۴) مردم از سپاهیان ابن سعود به گرمی استقبال کردند و عبدالرحمن ابن سویلم فرمانده سپاه از آن پس نایب‌السلطنه ابن سعود در قطیف شد. الخنیزی آورده است که عبدالرحمن بدون جنگ و خونریزی وارد شهر شد چنان که گویی گم شده‌ای به وطنش بازگشته است، ولی باوجود این همه نرمش و ملایمت شیعیان و تسلیم صلح آمیز آنها در مقابل حکومت ابن سعود همچنان حکومت آنها را سرکوب کرد. در ابتدای امر ابن سعود علمای شیعه احسا را فراخواند و به آنها گوشزد کرد باید او را به عنوان امیر خود به رسمیت بشناسند و خود را با احکام وهابیت تطبیق دهند، سپس حاکم جدیدی برای قطیف انتخاب کرد و احکام چهارگانه خود را به مردم این ناحیه تحمیل کرد. این احکام عبارتند از: شیعیان قطیف باید به صورت مکتوب قبول کنند که قطیف به نیاکان ابن سعود تعلق داشته است؛ چهارده نفر از نجبای قطیف موظف هستند به دیدن ابن سعود بروند، با وی بیعت کنند و به او پول بدهند؛ در صورت نیاز هریک از روستاهای منطقه قطیف باید ده مرد جنگی به سپاهیان ابن سعود پیشکش کند؛ صدور سبزیجات و میوه به بحرین ممنوع است (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲).

علمای شیعه مجبور بودند برای حفظ و بقای جامعه و مذهب شیعه در مقابل اقدامات و رفتار خشونت‌آمیز حکومت صبر کنند و با شرایط موجود سازش کنند. با این حال آنها از تلاش برای احقاق حقوق دینی شیعیان فروگذار نکردند. به نقل از منابع شیعه در پی سقوط احسا در سال ۱۹۱۳ و استیلای وهابیون بر آن بین شیخ موسی ابو خمسين از رهبران دینی شیعه احسا و ابن سعود توافقاتی صورت گرفت. براساس این توافقات ابن سعود پذیرفت آزادی دینی شیعیان را به رسمیت بشناسد مشروط بر اینکه شیعیان نسبت به حکومت وفادار و فرمان‌بردار باقی بمانند. اگرچه توافقات به صورت مکتوب ثبت نشد و فرزندان ابن سعود آن را به رسمیت نشناختند، اما علما و شخصیت‌های برجسته شیعه متفق‌القول هستند که این توافقات بین طرفین صورت گرفته است. با این همه شیعیان همچنان بیش از پیش مورد آزار و شکنجه حکومت قرار گرفتند و سپاه ایدئولوژیک ابن سعود یعنی، اخوان با برنامه‌ای منسجم تلاش کرد که شیعیان را وادار کند به وهابیت بپیوندند. به دستور ابن سعود شیعیان از مرثیه‌سرایی در حسینیه‌ها منع شدند و برای کسانی که از دستور وی سرپیچی می‌کردند، مجازات‌های سخت و خشونت‌بار تعیین شد و گروه اخوان بسیاری از شیعیان بحرینی ساکن قطیف را قتل‌عام کرد. ابن سعود ادعا کرد از سال ۱۹۲۲ فشار علیه شیعیان کم شد و وضعیت اقتصادی و مذهبی آنها بهبود یافت. این درحالی است که برخلاف ادعای وی شکایت شیعیان در سال ۱۹۲۳ از اوضاع حاکم نشان می‌دهد شیعیان احسا و قطیف از آزادی دینی که قبل از تصرف الحسا داشتند، محروم شدند. (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵)

شاهد دیگر این وضعیت متوسل شدن شیعیان به نیروهای انگلیسی است. آنها از انگلیسی‌ها خواستند ابن سعود را متقاعد کنند که آزار و اذیت شیعیان را پایان دهد. یکی از مقامات رسمی انگلیسی در گزارش مربوط به سال ۱۹۲۴ به این نکته اشاره کرده است و می‌گوید در سال ۱۹۲۳ مردم و به‌ویژه تجار و پيلهوران احسا از مالیات ظالمانه و سنگین حکومت ابن سعود اظهار ناراضی می‌کردند. (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶) با گسترش موج ناراضی‌تبی شیعیان ابن سعود تصمیم گرفت احکام دینی جدید تحمیل شده به شیعیان را لغو کند و سرانجام متوعین وهابی یعنی، متوعه در زبان عامیانه سعودی از منطقه قطیف برچیده شدند. مجتهدین شیعه در پاسخ به این موضع حکومت فتوایی صادر کردند که شیعیان قطیف را وادار می‌کرد از شاه عبدالعزیز اطاعت کنند و از اعمال زور و خشونت علیه حکومت دوری کنند. در پی شورش سال ۱۹۲۸

شیعیان در روستای العوامیه به رهبری مجتهدی به نام شیخ محمد النمر این فتوا صادر شد. وهابیون نفوذ زیادی در حکومت داشتند و از فتوای بیان شده برای مقاصد خود سوء استفاده کردند و به واسطه آن مشروعیت لازم را برای آزار و اذیت شیعیان به دست آوردند. به این ترتیب فتوای بیان شده مشروعیت لازم برای متوعین را فراهم کرد تا با حملات فیزیکی مانع از انجام مراسم و آیین های مذهبی شیعیان شود (ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰). در پی فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان در پی سال های متمادی دست به قیام های گسترده علیه دولت سعودی زدند و به نتیجه خاصی نرسیدند و برای به دست آوردن حقوق خود به تشکیل تشکل ها و جنبش های سیاسی روی آوردند که توسط بزرگان این منطقه تأسیس می شد. یکی از بزرگ ترین جنبش این حوزه خلیج فارس جنبش اسلامی شیعه است. شیعیان عربستان در سال های قبل از ۷۰ تشکل مهم سیاسی و مذهبی نداشتند و بیشتر جذب کمونیسم، ناصریسم و بعثیسم می شدند، اما پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر مهمی بر شیعیان گذاشت و به تدریج نسل جدیدی از رهبران شیعی ظهور کردند و خواستار مطالبات جامعه شیعه شدند از جمله جنبش اصلاح طلب اسلام گرای شیعیان گفت که شیخ حسن الصفار از برجسته ترین رهبران آن است و نمایندگان جنبش موفق شدند در سال ۲۰۰۵ کرسی هایی را در شوراهای شهرها و شهرک های منطقه شیعه نشین شرق عربستان به دست آورند.

از دیگر سازمان های شیعی جماعت حزب الله حجاز است که در سال ۱۹۸۷ به دست روحانیون شیعی پیرو خط امام علیه السلام تأسیس شد. این جنبش به اصل ولایت فقیه آن هم با مرجعیت آیت الله خامنه ای اعتقاد دارد. این جنبش ها در بعد داخلی موفق شدند نوعی بیداری و آگاهی مذهبی و سیاسی را در جامعه شیعیان زیر ستم و مورد تبعیض عربستان به وجود آورند که بدون وجود و فعالیت این جنبش ها به دست آمدن این آگاهی و بیداری غیرممکن بود. در این مورد فقط باید گفت که این جنبش ها موفق شدند نسل جدیدی را پرورش دهند که به تغییر و فعالیت سیاسی و خروج از عقب ماندگی که جامعه عربستان به طور عام و شیعیان به طور خاص درگیر آن بودند، ایمان داشته باشند. کسانی که از اوضاع عربستان پیش از ظهور جنبش های شیعی اطلاع داشتند، می دانند که وضع شیعیان پس از ظهور این جنبش ها چه تغییرات ملموسی داشته است؛ در حالی که جریان مذهبی سنتی، مذهب و تأمل سطحی در مذهب را تبلیغ می کرد، جریان شیعی خواستار تغییر و نوگرایی در مذهب بود و موفق شد برداشت جدیدی از مذهب به شیعیان عربستان دهد.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی تاریخی، این نتیجه حاصل می‌شود که در طول تاریخ، شیعیانی که در کشورهای حوزه خلیج فارس زندگی می‌کنند همواره مظلوم واقع شده‌اند و از اساسی‌ترین حقوق اجتماعی، سیاسی و غیره محروم بوده‌اند. شیعیان برای به‌دست آوردن حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی راهکارهای مختلفی داشتند. برخی از شیعیان با تأسیس تشکلهای فرهنگی و اجتماعی می‌خواستند مشکلاتشان را حل کنند و بعضی از آنها با تأسیس جنبش‌های مختلف و زنجیره‌ای خواهان برکناری دولت‌های ظالم و ستمگر می‌شدند. شبه‌جزیره عربستان نیز شاهد تشکیل جنبش‌های شیعی است، ولی نتوانست موفقیت چشم‌گیری به‌دست آورد. دلایل عدم موفقیت این جنبش‌ها عبارت است از:

اول) یکی از این عوامل عدم انسجام بین اعضای این جنبش‌ها است؛ زیرا در طول زمان اینها انسجام محکمی که بتوانند به‌طور فعال در کشورهای خود دست به اقدامات مهم بزنند، نداشتند. از دیگر عوامل عدم پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از طرف نهادهای مختلف بود که این امر هم باعث عدم موفقیت این جنبش‌ها شد.

دوم) دولت و رژیم سیاسی این کشور مانع پیشرفت این جنبش‌ها شده است؛ زیرا در این کشور هرگونه فعالیت به‌ویژه فعالیت سیاسی ممنوع بوده است و رژیم با استفاده از نیروی‌های نظامی آنها را سرکوب کرده است و از دادن هرگونه مجوز فعالیت دوری می‌کردند.

سوم) دادن وعده‌های دروغین از سوی برخی دولت‌مردان این کشور؛ زیرا در برخی موارد این جنبش‌ها از اهداف خود عقب‌نشینی کردند و فریب وعده‌های دروغین دولت را خوردند.

فهرست منابع

۱. آشنائی محمدی، علی (۱۳۸۲). شناخت عربستان. قم: نشر مشعر.
۲. ابراهیم، فواد (۱۳۸۶). شیعیان عربستان. مترجم: دارمی سلیمه و میررضوی، فیروزه. تهران: ابرار معاصر.
۳. السعید، ناصر (۱۳۶۰). خاندان سعودی را بشناسیم از کجا؟ تا کجا؟. مترجم: ابو میثم، (وحید). بی‌جا: مؤسسه تحقیقاتی علمی الغدیر.
۴. انصاری بویر احمدی، علی (۱۳۹۱). شیعیان عربستان. تهران: انتشارات آشیانه.
۵. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۱). آل سعود و بیداری اسلامی. قم: انتشارات صبح امید یاران.

۶. شامی قرچلو، ابوالفضل (۱۳۸۹). جغرافیای کشورهای جهان- عربستان. تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۷. عظیمی، رقیه سادات (۱۳۷۵). عربستان سعودی. تهران: مؤسسه چاپ انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. کرمی، کامران (۱۳۸۴). کتاب خاورمیانه (ویژه مسائل داخلی عربستان)، جایگاه شیعیان و آینده پیش‌رو در عربستان. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.
۹. گودوین، ویلیام (۱۳۸۳). عربستان سعودی. مترجم: شاداب، فاطمه. تهران: انتشارات ققنوس.
۱۰. متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۸). جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس. تهران: نشر نی.
۱۱. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر تهران (۱۳۸۴). برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی-سیاسی). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر تهران.
۱۲. نقوی، سید محمد علی (۱۳۸۹). چکیده مقالات همایش ژئوپلتیک شیعه، جوامع شیعی در خاورمیانه و تلاش برای خروج از انزوا. تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۱۳. یوسفی، محسن (۱۳۸۴). اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی (تأثیر بحران عراق بر تحولات سیاسی عربستان سعودی). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی